

نقدی بر

فرهنگ اصطلاحات اسلامی فارسی-انگلیسی

محمد رضا دُر بیگی نامقی

تألیف: خادم حسین نقوی
ناشر: انتشارات انصاریان، قم

مقدمه سردبیر

در سالهای اخیر بسیاری از افراد و سازمانهای پژوهشی-فرهنگی به چاپ لغت‌نامه‌های تخصصی دست زده‌اند که جای بس امیدواری است. برای مثال در زمینه واژگان تخصصی متون اسلامی تاکنون چندین لغت‌نامه منتشر شده‌است. اما جای تأسف است که گردآورندگان یا مؤلفان برخی از این لغت‌نامه‌ها نه به سودمندی و ضرورت کار خویش اندیشیده و هدف مشخصی را دنبال کرده‌اند و نه با اصول و ضوابط تألیف لغت‌نامه تخصصی آشنایی دارند. لغت‌نامه‌های تخصصی، اعم از تألیف یا گردآوری، از ضوابط و اصول خاصی پیروی می‌کنند که در قلمرو علمی به نام واژه‌نگاری است. تألیف واژه‌نامه دشواریهای بسیار دارد، بخصوص گزینش و تبیین مفاهیم تخصصی اصولی دارد که بر اهل علم دانسته است. گردآوری برابر نهاده‌های مفاهیم و واژگان تخصصی یک رشته خاص نیز از آنچه در آغاز می‌نماید بسیار دشوارتر است. کار محقق در گردآوری و کنار هم نهادن معادلهای پیشنهادی محققان مختلف خلاصه نمی‌شود، بلکه او باید معادلهایی دقیق برگزیند. انجام چنین کاری در هر رشته تخصصی بخصوص در رشته پر دامنه‌ای مثل معارف اسلامی به متخصصان متعدد نیاز دارد تا معادلهای بدرستی و بر مبنای صحیحی انتخاب و به معادلهای معیار تبدیل شوند- گزینش معادلهای معیار از میان انبوه معادلهای پیشنهادی برای یک مفهوم تخصصی سه مرحله اساسی دارد: ۱- جستجو برای یافتن معادلهای مختلف، ۲- توافق بر سر اصطلاحات، تعریفها و معادلهای آنان و ۳- انتشار معادلهای معیار برای استفاده در سطح ملی و بین‌المللی.

انتخاب معادل برای واژگان تخصصی ظرایف و دشواریهای بسیار دارد. محقق باید از میان معادلهای پیشنهادی معادلی را برگزیند که تا حد امکان دقیق و خالی از ابهام باشد. سایر معادلهای پیشنهادی که ممکن است ابهام یا سوء تعبیر ایجاد کنند باید حذف شوند. در واقع برای دستیابی به معادل معیار باید مشکل واژه‌های معادل را حل کرد. برخی معادلهای "معادل کاذب" و برخی "معادل واقعی" هستند. در مورد اول، یافتن و پیشنهاد کردن معادلی واحد ضروری است چون تنها یک معادل از جمع معادلهای پیشنهادی صحیح و دقیق است. در مورد معادلهای واقعی نیز انتخاب یک معادل ضروری است چون این کار به درک بهتر خوانندگان از متون تخصصی و برقراری ارتباط میان اهل فن کمک می‌کند.

آنچه در پی می‌آید کوتاه شده نقدی است که بر یک فرهنگ اصطلاحات اسلامی نوشته شده است. من همیشه از خود می‌پرسم آیا یک فرد، آن هم فردی که انگلیسی زبان مادری‌اش نیست، می‌تواند از انجام چنین مهمتی برآید؟ برای قضاوت در باره این که یک واژه مفهوم مورد نظر را به خواننده انگلیسی‌زبان انتقال می‌دهد یا

نه، لازم است محقق در زبان انگلیسی نیز به قول اهل فن "شم" داشته باشد، یعنی یا انگلیسی زبان مادری اش باشد یا این زبان را در حد زبان مادری بداند.

البته گردآوری برابرنامه‌های واژگان تخصصی معارف اسلامی بی‌فایده نیست ولی باید توجه کرد که اولاً از انجام کارهای تکراری جلوگیری شود، ثانیاً هدف و مخاطب چنین لغت‌نامه‌هایی دقیقاً مشخص شود چون به هر حال هر لغت‌نامه نیاز تحقیقاتی خاصی را پاسخ می‌دهد. ثالثاً با توجه به اهمیت مفاهیم اسلامی و ضرورت یکدست کردن آنها در متون اسلامی لازم است کار از سطح ملی خارج شود و جمعی از متخصصان در سطح بین‌المللی برای مفاهیم اسلامی معادلهای انگلیسی معیار پیشنهاد کنند. برای آشنایی بیشتر با برخی از اصول تألیف برابرنامه‌های تخصصی، خوانندگان محترم می‌توانند به نقد اینجانب بر "فرهنگ اصطلاحات علوم و تمدن اسلامی" مندرج در شماره پنجم مترجم مراجعه کنند.

* * * * *

کتاب *فرهنگ اصطلاحات اسلامی* فارسی-انگلیسی تألیف سید خادم حسین نقوی در ۲۷۷ صفحه از سوی انتشارات انصاریان در قم منتشر گردیده است، مؤلف محترم کتاب در پیشگفتاری که نگاشته است می‌نویسد:

"... متأسفانه اخیراً بسیاری از اصطلاحات اسلامی در زبان عربی هنگام انتقال بزبان دیگر بخصوص انگلیسی دچار نابسامانی شده و واژه‌های غلط و معادلهای نادرستی برای آنها بکار رفته است مثلاً معادل "وضوء"، "شستشو" (ablution) نیست بلکه وضوء یکی از مقدمات ضروری اولیه در شرع اسلام جهت انجام فریضه صلاّه به شیوه‌های خاص انجام می‌شود. بهمین ترتیب "صلاّه" که یکی از اعمال عبادی واجب است که هر مسلمان باید هر روز پنج مرتبه آن را انجام دهد "دعا" یا "تقاضا" (prayer) نیست همچنین غسل که یک شستشوی واجب در شرع اسلام است ..."

اینجانب ضمن تأیید نفس حرکت در زمینه تدوین و جمع‌آوری اصطلاحات و تعابیر اسلامی به زبان انگلیسی، معتمد حرکتهای فردی میرزا از خطا نبوده و کار را آسیب‌پذیر می‌کند. هدف بنده از نقد این فرهنگ بی‌اجر کردن زحمات مؤلف محترم نیست، بلکه صرفاً می‌خواهم نقایصی را که با بضاعت اندکم به نظرم می‌رسد روشن کنم. خطایی اساسی که مؤلف از ابتدا تا انتهای کتاب مرتکب شده این است که رسالت خویش را در تدوین اصطلاحات اسلامی به فراموشی سپرده و از تفحص در باب معادل‌گزینی طفره رفته و به ارائه توضیح پرداخته است و کتاب را بیشتر شبیه یک فرهنگ لغت ساخته است تا فرهنگ اصطلاحات اسلامی! یعنی گاه این شبهه برای خواننده ایجاد می‌شود که آیا کتاب فرهنگ اصطلاحات اسلامی! شخصیت‌شناسی اسلامی است یا شخصیت‌شناسی یونانی، فرهنگ واژگان سیاسی است یا فرهنگ ابزارآلات فنی، فرهنگ جانورشناسی است یا فرهنگ مصطلحات منطق و فلسفه! ... در این قسمت اشاره‌ای گذرا به گزیده‌ای از لغات غیر مرتبط با اصطلاحات اسلامی می‌گردد:

ضبط اسامی و الفاظ یونانی

ارسطاطالیس، ارسطو، اسطقس، افلاطون، افلاطونی، افلاطونیون جدید، اتونیطون، انبدقیس (که غلط نگاشته شده و صحیح آن انبازقلس است)، انکساعوراس (که غلط نگاشته شده و صحیح آن در زبان عربی اناکساعوراس و یا انکساعوراس است)، ایساعوجی (که غلط نگاشته شده و صحیح آن ایساعوجی است) سقراط، سوفسطایی،

فیثاغورث، افروطاغوریاس و...

ضبط اسامی مربوط به جغرافیای سیاسی ممالک مختلف جهان

اتازونی، انگلستان، ایتالیا، بابل، خاورمیانه، اشلیه، انطاکی، انطاکیه، غرناطه، بحرالابيض، بحرالاحمر، بحرالریاس، بحرالاسود، بحرالجزایر، بحرالروم، بحرالمتیت، دمشق، ژاپن، شام، سوریا، طرابلس، عربستان سعودی، مصر، لیبی، عراق، مراکش، قبرس، قسطنطنیه، مشترک المنافع و...

ضبط اسامی حیوانات وحشی و اهلی

پلنگ، بز کوهی، شتر مرغ، شغال، کلاغ، گاو میش، گنجشک، گرگ، گورخر، گوساله، گوساله ماده، گوساله نر، لاک پشت، قوچ، مارماهی و...

ضبط اسامی و القاب مشاهیر و پادشاهان و سلسله های ایران

خشیارشا، زرتشت، پروش، ساسان، غزنوی، قاجار، هخامنشی، یزدجرد، کورش، کسری، صفوی و...

ضبط واژه های سیاسی

امپریالیست، امپراتور (امپراطور)، امپراطوری، فاشیسم، وتو، پتر کبیر، جنگهای صلیبی، جهان خوار، سازمان وحدت عرب، سوق الجیشی، آتش بس، ذخایر تسلیحاتی، زرادخانه، سیاستمدار، شورای عالی امنیت، صهیونی، صهیونیسم، قیصر، کاپیتولاسیون، نژادپرستی و...

ضبط اسامی و اصطلاحات ابزارآلات فنی و متعلقات مربوط

ماشین آلات، ماشین تراش، ماشین فرز، مته، آچار، کاتالیزر، کاتد، گرماسنج، ماهواره، موشک، هسته ای، آلیاز، آند و...

ضبط اسامی مشاهیر جهان اسلام

طبری، جابر بن حیان، ابن باجه، ابن رشد، ابن سینا، ابن هشام، ابن الهیثم، الخوارزمی، محمد بن ابی بکر، محمد المهدی و...

ضبط مصطلحات منطقی و فلسفی

قضیه اصلی، قضیه بدیهیه، قضیه بسیطه، قضیه ثلاثی، قضیه ثنائی، قیاس برهانی، قیاس تمثیلی، قیاس جدلی، قیاس شرطی، محمول، ماده الاولی، معقولات اولیه، معقولات ثانویه، مثل افلاطونی، کم متصل، نفس فلکی، نفس کلی و...

ضبط اسامی و الفاظ متفرقه

آب و تاب، آب و هوا، آتی، آداب، آدم کشی، آدمیت، آرامبخش، آرایش، آرمان، آرخ، آسودگی، آشتی، آشکار، آشوب، آشفته، آسوده، آهک، سیلیس، طشت، عطارده، عهد عتیق، فارغ التحصیل، فاطمیان، فراعنه، فانوس، فراماسون، فرهنگستان، فشفشه، فشنگ، فنیقی، قاطی، قاطی باتی، قرطاس بازی، کاتالوگ، کارتل، کاردار، کرک، کشمش، کشیش، کلفت، کلفت، کلیسا، کنعان، گارد، گاز، گام، گچ، گلوبند، گلوگیر، گلوله، گوشی، گیج، لبن، لبنیات، لجن زار، لجن مال، لوقا، لیسانس، لیسیه، مادرزاد، مادرزن، مادیت، مادیگری، مارونی، مانور، ماهواره، متزلزل، مدیحه سرا، متراض، مرغزار، مروارید، مسیحیان ارمنی، مسیحیان آشوری، مسیحیان کلدانی، مصاحبه مطبوعاتی، ملوک الطوائفی، منجلاب، منجیق، موسیقی، ناقص الخلقه، ناقص العقل، نصف النهار، نوسازی، نوبابه، نوبابه های غیرالکلی، نوبتکار، نیزار، نیزه، وحشی، وحشیگری، هرقل، هفت اقلیم، یرقان، شاهنامه و...

همانگونه که قبلاً ذکر شد مؤلف با درک ناصواب مرز دقیق لغت و اصطلاح خود را در گردابی از لغات

مختلف غوطه ور کرده به جای مراجعه به کتاب خدا و سنت رسول الله و ائمه معصومین سلام الله عليهم اجمعین به اندوخته‌های خویش مراجعه کرده و به خطاهای فاحش مبتلا شده است. قبل از ورود به بحث اصلی لازم بنظر می‌رسد برای روشن شدن ذهن خوانندگان محترم درباره واژه اصطلاح و مصطلحات اسلامی گریزی هر چند مختصر داشته باشیم. دکتر علی محمد تقوی در پیشگفتار کتاب فرهنگ اصطلاحات اسلامی (فارسی-انگلیسی) خویش چنین می‌نویسد:

اصطلاح عبارتست از نامی که به مفاهیم مرکبه یا مفرد در زمینه‌های علوم و فنون مختلف داده می‌شود بطوری که معمولاً برای توضیح آن مفهوم مصطلح اگر بخواهیم نام اصطلاحیش را نیاوریم مجبور می‌شویم که چند سطر یا صفحه از مشخصات آن مفهوم را ذکر نماییم، واژه اصطلاح از ریشه صلح می‌باشد که مفهوم آشتی، سازش و قرارداد را می‌دهد، همین نکته اشاره به این حقیقت دارد که اصطلاح در واقع سازش یا قراردادی است که بر سر نامگذاری مفاهیم علوم و فنون مختلف بین اهل یک فن و یا فرد مبتکر و واضع و بین پژوهشگران و یا علاقمندان آن علم و فن بسته می‌شود، همچنانکه بوسیله نام یک فرد مشخص می‌گردد. بوسیله یک اصطلاح، یک مفهوم خاص علمی و یا فنی و یا دینی را مشخص و محدود می‌کند و دقیقاً بهمین علت است که اصطلاح را در زبان انگلیسی (term) می‌گویند کلمه ترم نیز از ریشه لاتین (terminus) آمده است که معنی حد و یا مرز را نیز می‌رساند چرا که بوسیله اصطلاحات، مفاهیم فکری و فنی و... مرزبندی و محدود و مشخص می‌گردند.

به این ترتیب دو نکته روشن می‌شود:

- ۱- اول اینکه برای اصطلاح‌شناسی لازم است که اهمیت رابطه "اصطلاح" را با مفاهیم مختلف کاملاً درک کنیم. فرق بین کلمه عادی و اصطلاح این است که اصطلاح بر مفاهیم خاص یک علم یا فن یا هنر یا دین و یا... دلالت می‌کند و مشمول واژه‌نامه خاص یکی از اینهاست در حالیکه کلمه عادی اینگونه نیست.
- ۲- نکته دوم اینکه اصطلاح یکی از اقسام نامهاست، فرق میان اسمای عام (common nouns) و اسمای خاص (proper nouns) و اصطلاح این است که اسمای عام و خاص دلالت بر اشخاص و اشیاء می‌کند و اصطلاح بر مفاهیم دلالت می‌کنند، یکی از ویژگیهای نام این است که وقتی نام به کار برده می‌شود مدلول به تمامی در ذهن و فکر شنونده یا خواننده تجسم می‌یابد. اصطلاح نیز متضمن تمامیت است یعنی وقتی به کار برده می‌شود یک فکر کلی را در ذهن شنونده منعکس می‌سازد، مثلاً وقتی کسی بگوید: "اسلام" در ذهن یک دین خاصی با تمام عقاید و اعمال و اصول و فروعش متبادر گردد. خلاصه اینکه "اصطلاحات" نامهایی هستند که در نتیجه "سازش" بین واضعان یا واضع و دیگران برای محدود و مشخص کردن مفاهیم و پدیده‌های خاص فنی، علمی و دینی مقرر می‌گردد.

در راه انتقال اصطلاحات اسلامی به انگلیسی مشکلات گوناگونی وجود دارد. بزرگترین مسأله‌ای که یک مترجم با آن مواجه می‌شود این است که هر دین، فرهنگ، منطقه و زبان سلسله مفاهیم خاصی دارد که با فرهنگهای دیگر کاملاً متفاوت است، لذا هرگاه کسی بخواهد که مفهوم یک فرهنگ را به فرهنگ دیگر منتقل کند به نارساییهای تعبیرات برخورد می‌کند و گاهی به علت همین نارساییها، مفهوم حقیقی اصطلاح مورد نظر از میان می‌رود برای مثال دین را وقتی در زبان انگلیسی به religion ترجمه می‌کنند این ترجمه برای اینکه مفهوم دین را برساند سد بزرگی در راه درک مفهوم دقیق دین می‌شود چرا که مذهب از دیدگاه غربیان همواره چیزی محدود به "زندگی فردی" افراد بوده است که با زندگی اجتماعی، اقتصادی، قضایی و سیاسی مردم هیچگونه ارتباطی نداشته

است. بدین جهت مفهومی که کلمه religion برای غریبان افاضه می‌کند یک ارتباط میان عبد و معبود یا خالق و مخلوق بیشتر نیست و آنها اساساً نمی‌توانند بفهمند که این چگونه دینی است که دستورات اقتصادی دارد، خمس و زکوة دارد، جهاد دارد، حدود دارد و می‌خواهد در شؤون اجتماعی مردم مداخله کند. در نتیجه آنها اسلام را محکوم می‌کنند که دین نیست بلکه معجونی از سیاست و مذهب است، ولی همه این بدفهمی‌ها به علت فقدان معادل دقیق دین در زبانهای غربی است.

مشکل دوم در راه انتقال اصطلاحات اسلامی به انگلیسی این است که زبان عربی بدون شک یکی از غنی‌ترین و دقیق‌ترین و وسیع‌ترین زبانهای دنیا است. وسعت زبان عربی بواسطه مشتقات و فوور مترادفات می‌باشد بدین سبب بسیار مشکل است که در زبان دیگری هر چند هم وسیع باشد معادلهای دقیق برای هر اصطلاح عربی پیدا شود.

دکتر علی محمد تقوی در خاتمه مقدمه خویش در کتاب فرهنگ اصطلاحات اسلامی پیشنهادهایی را ارائه کرده است که فرهنگ نویسان را بسیار به کار می‌افتد لذا ذیلاً به مواردی از آنها اشاره می‌کنیم:

۱- اگر مفهوم یک اصطلاح اسلامی در فرهنگ انگلیسی نیز وجود دارد باید دید که کدام واژه برای آن بکار برده می‌شود و باید همان را انتخاب کرد، مثلاً مسیحیت یا دین یهود مفهومی است که مخصوص به اسلام نیست بلکه در فرهنگ غرب نیز وجود دارد و آنرا به واژه‌های christianity, judaism تعبیر می‌کند پس باید همین واژه‌ها را برای برگرداندن واژه‌های اسلامی نیز بکار گرفت.

۲- آن دسته از اصطلاحاتی که بیانگر مفاهیمی هستند که روح اسلام به شمار می‌روند و از مختصات اسلام و مابه‌الامتیاز آن هستند چون این مفاهیم در هیچ فرهنگ دیگر به این صورت وجود ندارد ضروری است که این اصطلاحات عیناً و به شکل عربی آن بکار گرفته شود و بعداً توضیح داده شود، مثلاً توحید، دین، جهاد، نماز، تقوی و غیره را باید به همین شکل در همه زبانهای دیگر نیز به کار ببریم و کم‌کم رواج بدهیم تا بدینوسیله همه ملل از مفاهیم آن آگاه شوند و با روح اسلام آشنا گردند.

در خاتمه چند نمونه از مدخلهای کتاب را به‌همراه توضیحات و پیشنهادهای خودم نقل می‌کنم.*

آیه‌الکرسی	Ayatul kursiyy	Ayat 254-257 of suratul-Baqarah
------------	----------------	---------------------------------

نویسنده محترم به جای ارائه معادل اصطلاح آیه‌الکرسی (the verses of the throne) به انگلیسی، به ارائه نشانی آیه مبارکه در سوره بقره پرداخته است.

حدیث قدسی	hadith qudsi	hadith which relates a revelation by Allah (swt) in language of the Prophet
-----------	--------------	---

همانگونه که می‌بینیم مؤلف به جای معادل‌گزینی به تعریف حدیث قدسی پرداخته است و معادلهای ذیل در منابع مختلف مصطلحات اسلامی ذکر گردیده است:

holy tradition; divine tradition; divine utterance; divine saying

خال	khal	mole, spot, dot
-----	------	-----------------

در اصطلاحات اسلامی مراد از خال، خال لب و یا خال هندو نیست بلکه مراد خال‌المؤمنین است، لقبی که معاویه از باب عوام‌فریبی بر خویش نهاده بود، اصطلاح خال به عبارتهای ذیل ذکر گردیده است:

maternal uncle /	خال‌المؤمنین	uncle of the faithful
------------------	--------------	-----------------------

خشية الله	khashyat-allah	fear from Allah
-----------	----------------	-----------------

* برای رعایت اختصار، به نقل تعدادی از نمونه‌هایی که منتقد محترم ذکر کرده‌اند اکتفا می‌شود. سردبیر.

چنانچه در اصطلاح مزبور به جای حرف اضافه from حرف اضافه of ذکر می‌گردید یعنی به شکل fear of Allah بدل می‌گشت مفهوم دقیق خشیه‌الله که به معنی خداترس بودن است ارائه می‌شد و دقیقاً آنچه در قرآن بکرات از آن تجلیل شده صفت خداترس بودن است که در واقع یکی از درجاتی است که مؤمنین بدان نایل می‌گردند، نه صفت ترس از خدا که اساساً صفتی ناپسند شمرده شده است.

dhakir orator, narrator of tragedies of Karbala

واژه orator به مفهوم ناطق و سخنران می‌باشد و واژه narrator نیز به مفهوم راوی و نقال است، پس هیچیک معادل‌های صحیحی برای لفظ ذاکر نیستند. از آنجا که در منطقه شبه قاره هند "ذاکر" به کسانی گفته می‌شود که مصایب کربلا و آنچه را که بر اهل بیت رفته است بازگو می‌نمایند، لذا مؤلف محترم به مفهوم قرآنی توجهی نداشته است، واژه ذاکر به اشکال گوناگون در قرآن ذکر گردیده است که واژه مناسب و معادل آن اصطلاح suppliant است.*

sazish plot, collusion, adaptation, compromise
سازش سازشkar plotter
سازشکار سازشkar

مرحوم استاد شهریار نقوی در کتاب فرهنگ زبان اردو ذیل لفظ سازش در دو معنی فارسی آن چنین می‌نویسد: "سازش در معنی فارسی سازگاری، بردباری، سلوک، سازش در معنی اردو مخالفت پنهانی، دسیسه، توطئه. مؤلف محترم فرهنگ اصطلاحات اسلامی مفهوم اردو را در اولین معادل‌های سازش و سازشکار تعمیم داده و در نتیجه اصطلاحات انگلیسی plot و plotter را که به معنی توطئه و توطئه‌گر می‌باشند نگاشته‌اند در حالیکه مفهوم سازش و سازشکار در زبان فارسی غیر از زبان اردو است. در مورد اصطلاح سازش معادل‌های ذیل پیشنهاد می‌گردد: adaptation; composition; arrangement; compromise; agreement

shahadat testimony, martyrdom, witness, evidence

سه اصطلاح evidence, witness, testimony به مفهوم گواهی‌دادن و اصطلاح martyrdom به مفهوم شهادت در راه حق است که مؤلف محترم همه را با یکدیگر خلط نموده لذا بمنظور پرهیز از این اختلاط شایسته بود در مورد سه اصطلاح نخستین (شهادت دادن) و در مورد اصطلاح آخر martyrdom (شهادت در راه حق) را ذکر می‌نمود.

sawmul-wisal the continuous Islamic fasting

این‌جانب مراد نویسنده محترم را از قید Islamic در عبارت فوق درنیافتیم زیرا صوم‌الوصال در ادیان پیشین رایج بوده و در اسلام نیز بعد از مدتی حکم به حرمت آن صادر گردیده است مؤلف محترم در این زمینه می‌تواند به منبع ذیل مراجعه فرماید. (تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۳۰۳)

faqir one without enough means to support himself and his family
فقیر needy یا poor در معنی فقیر می‌باشد.

* در فرهنگ اصطلاحات علوم و تمدن اسلامی (فارسی-انگلیسی) ویراسته بهاءالدین خرمشاهی معادل praiser of God برای ذاکر آمده است. مترجم.